

مدجنان و نقش آنان در هنر و معماری اسپانیای سده های میانه

دکتر عبدالله همتی گلیان

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۱۰/۱۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۲/۵

چکیده:

مقاله حاضر که بر اساس روش کتابخانه ای تدوین شده ضمن معرفی مدجنان به نقش آنان در حیات هنری جامعه اسپانیای سده های میانه پرداخته است. در واقع گوشه هایی از تعامل هایی که بین دو تمدن اسلام و مسیحیت در شبه جزیره ایبری رخ داده، به تصویر می کشد. این پژوهش خاطر نشان کرده که مدجنان در زمینه معماری و سایر هنرها اهتمام می ورزیدند تا به گونه ای میراث اسلامی را با طرح های مسیحی با هم درآمیزند و الگوهایی پدید آورند که متناسب با مقتضیات زمان باشد تا حمایت اشراف و حاکمان مسیحی را جلب نمایند. گرچه شروع این هنر توسط مدجنان به منظور حفظ الگوهای اسلامی در قلمرو مسیحی بوده است، اما با گذشت زمان به عنوان سبکی صرفاً بومی شناخته شد. نگارنده نشان می دهد که به طور کلی در هنر و معماری مدجن مصالح ارزان بیشتر از مواد گران قیمت به کار می رفته است. همچنین یاد آور شده که مسیحیان حاکم به رغم مخالفت با هویت دینی اقلیت های مسلمان، هیچگاه از مهارت های هنری آنان غافل نبوده و به بهره برداری از توانایی های مدجنان پرداخته اند و از این رهگذر آنان سهم در خور توجهی در توسعه سنت های هنری اسپانیا داشته اند.

واژه های کلیدی:

مدجن، اسپانیا، هنر، اسلامی، مسیحی.

مقدمه

خلأهای مدنی استفاده کنند. بدین گونه آنان در انتقال فرهنگ و مدنیت اسلامی به جامعه مسیحی اسپانیا نقش برجسته ای ایفا کردند.

تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد در باب مدجنان، که حاملان میراث اسلامی در میان مسیحیان بودند، به زبان فارسی پژوهشی انجام نشده است؛ آنچه هم که معدودی از نویسندگان غربی در مورد این جمعیت و تأثیرات هنری آنان به انگلیسی و باسیر زبان های اروپایی نوشته اند، جز اطلاعات پراکنده و آگاهی های ناقص چیزی به دست نمی دهند. شاید در میان نوشته های فارسی از این جستار بشود به عنوان نخستین گام یاد کرد که بر آن است تاپس از شناسایی مدجنان، جایگاه آنان را در جامعه مسیحی مشخص نماید و گوشه هایی از فعالیت های این گروه را در عرصه هنر و معماری بررسی کند.

برخورد ها و کشمکش های اسلام و مسیحیت در اسپانیا یک طرف سکه حضور مسلمانان در این سرزمین به شمار می آید. زوی دیگر آن تبادل ها و تعامل های گسترده ای بوده که بین دو جامعه مسلمان و مسیحی رخ نموده است؛ به طوری که به سبب این دادوستدها تاریخ این کشور در سده های میانه از سایر بخش های اروپا متمایز شده است. به لحاظ این که مسلمانان حداقل تا اواخر سده ۱۱/۱۵م در زمینه های گوناگون فرهنگ و تمدن بر مسیحیان برتری داشتند، در ابعاد مختلف جامعه اسپانیا تأثیرات چشمگیری برجای نهادند. از آن پس گرچه پیروان مسیح با تسلط بر بخش اعظم اسپانیا در عرصه سیاسی و نظامی بر مسلمانان تفوق یافتند، اما به لحاظ فرهنگی تا مدت ها متکی و وابسته به قابلیت های آنان بودند و همواره سعی می کردند تا از تجارب مدجنان برای پر کردن

خلاءهای فرهنگی و هنری خود استفاده کنند. در این مقاله سعی می شود تا با بررسی و تحلیل آثار هنری و معماری مدجنان، به دنبال کشف و تبیین نقش و جایگاه آنان در جامعه مسیحی اسپانیا باشیم.

مدجنان

اصطلاح مدجن به گروهی از مسلمانان اسپانیا اطلاق می شده که به هنگام پیشروی مسیحیان به قلمرو اسلامی، این مناطق را ترک نکردند و تحت سلطه آنان به حیات خویش ادامه دادند. در این مورد در فرهنگنامه آکادمی رنسانس اسپانیا چنین آمده است: این مسلمانان منطقه ای را که در آن سکونت داشتند به نیروهای مسیحی تسلیم می کردند و بدون این که دین خویش را تغییر دهند، در همان جاباقی می ماندند و به صورت رعایای حاکمان مسیحی درمی آمدند (Harvey, 1990, p. 3). تسلیم شهرها و مناطق مسلمان نشین به مسیحیان بر اساس قراردادهایی که بین فاتحان و مغلوبان منعقد می شد، انجام می گرفت. در واقع به وسیله این قراردادها، که در آنها وظایف مسلمانان ذمی و حقوق آنان قید شده بود، جوامع مدجن رسمیت پیدامی کرد.

حقوق و امتیازاتی که در این توافقنامه ها برای مدجنان منظور شده بود در همه جای اسپانیا یکسان نبود، اما در بیشتر آنها موارد مشترکی بدین قرار وجود داشت: درازای کارهایی که مدجنان برای حاکمان و اربابان مسیحی انجام می دادند و مالیات هایی که به آنان می پرداختند. فاتحان نیز وعده می دادند تا امنیت مالی و جانی مدجنان را تأمین کنند. به آنان اجازه دهند تا اعمال دینی خویش را آزادانه انجام دهند. از تعرض به اوقاف مسلمانان ذمی جلوگیری کنند، آنان همانند مالیات های دوره

اسلامی رابه حاکمان مسیحی بپردازند، به مدجنان اجازه دهند که قضاتی از خودشان داشته باشند تا بر اساس قوانین اسلامی قضاوت کنند. باید گفت این امتیازات فقط در قراردادها انعکاس می یافت، اما مسیحیان در عمل به حقوق مدجنان چندان واقعی نمی نهادند (The Medieval World, 2001, p. 61).

اغلب نویسندگان اروپایی که در زمینه تاریخ اسپانیا سده های میانه قلم زده اند واژه مدجن را به کار برده و تقریباً آن را به جامعه خاصی از مسلمانان اسپانیا اختصاص داده اند. امانویسند مقاله مدجنان در دایره المعارف اسلام (متن انگلیسی) این اصطلاح را به مسلمانانی که در خارج از اسپانیا به نحوی تحت سلطه مسیحیان زندگی می کردند نیز تعمیم داده است (Encyclopaedia of Islam, 1993, vol. VII, p. 286). این واژه برگرفته از کلمه عربی دجن و متضمن مفهوم باقی ماندن (اقامت کردن) و آرام (رام) بودن است که دومی اغلب در مورد طیور به کار می رود (Harvey, 1990, p. 4; Watt, and Cachia, 1955, p. 151). هاروی بر مفهوم آرام و رام بودن تأکید بیشتری دارد و سعی می کند از لحاظ معنوی بین حیواناتی که تحت حمایت انسان رام و اهلی شده اند و مردمی که تحت قدرت برتری به صورت رعایای بی خطری در آمده اند، ارتباط برقرار نماید. گفتنی است رام بودن صفتی نیست تا کسی خواسته باشد به آن افتخار کند، بلکه

متصف به آن قابل سرزنش نیز هست؛ احتمالاً نخستین بار مسلمانان همکیشان خویش را که تحت سلطه مسیحیان به سر می بردند، با عنوان مدجن خطاب کردند تا بدین وسیله آنان را سرزنش و نکوهش کنند؛ سپس این اصطلاح به زبان اسپانیولی نیز راه یافت و به صورت مودخار (Mudejar) متداول شد (Harvey, 1990, p.4).

نظرها روی (Harvey) تا اندازه ای درست به نظر می رسد، به لحاظ این که بر مبنای قرآن و سنت علمای اسلامی معتقدند برای مسلمانان جایز نیست تا در هر جایی زندگی کنند؛ بر آنان واجب است در جایی اقامت نمایند که بتوانند به نحو کامل واجبات دینی خویش را انجام دهند. از آنجا که چنین امری تحت سلطه مسیحیان غیر ممکن بود و باقی ماندن در دارالمسیحیت را نوعی اهانت به اسلام و مسلمانان تلقی می کردند، پذیرش چنان وضعیتی را جایز نمی دانستند. شاید به همین جهت بوده که اغلب نویسندگان مسلمان جامعه مدجنان را شایسته توجه کردن و بررسی ندانسته و چیزی درباره آنان ننوشتند و به گونه ای از این جمعیت چشم پوشی کرده اند، حتی ابن خلدون زمانی که به اشبیلیه (Seville) تحت سلطه مسیحیان رفته چیزی درباره مدجنان این شهر نمی گوید؛ احتمالاً او نیز سخن گفتن از همکیشان تحت سلطه حاکم مسیحی را اهانت آمیز ندانسته است (the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. I, pp. 177-178). یکی از فقیهان الجزایری، بنام احمد بن یحیی و نشریسی (۱۹۱۴ ق)، که درباره آنان سخن گفته در بخشی از اثر خویش «المعیار المعرب...» زندگی کردن مسلمانان در قلمرو مسیحیان را به شدت به باد انتقاد گرفته و از آنان با عنوان «اهل الدجن» یاد کرده است (و نشریسی، ۱۴۰۱/۲، ۱۵۰/۱-۱۵۱).

معماری مدجنان

باتوجه به ناسازگاری هایی که بین دو تمدن اسلام و مسیحیت وجود داشته، هیچگاه تلفیقی پایدار بین عناصر این دو تمدن صورت نگرفته است. در عین حال، نگاه این دو برای مدتی با هم تعامل داشته و بر یکدیگر تأثیر نهاده اند، که معماری مدجنان نمونه ای از آن است.

مدجنان در زمینه هنر و معماری خدمات ارزنده ای به جامعه مسیحی اسپانیا کردند، ولی هنوز در خارج از این کشور معماری آنان عمدتاً ناشناخته مانده است. در خود اسپانیا نیز در سال های اخیر به آثار هنری مدجنان عنایت بیشتری شده که به سبب این بررسی ها اکنون مردم اسپانیا در مورد آنچه از گذشته به ارث برده اند، برخوردی بالند (the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. I, p. 185).

باید توجه داشت که نگرش پیروان مسیح نسبت به هنر اسلامی بر حسب شرایط اجتماعی و سیاسی تغییر می کرد. به هنگامی که مسلمانان در اسپانیا در همه زمینه ها بر مسیحیان تفوق داشتند، پیروان مسیح نگران هویت فرهنگی خویش بودند؛ زیرا به شدت آن را در معرض خطر می دیدند. از این رو، در برابر هنر اسلامی مقاومت نشان می دادند و از شناسایی آن خودداری می کردند؛ ولی از زمانی که بر اثر پیشروی مسیحیان در مناطق اسلامی موازنه قدرت به نفع آنان تغییر کرد دیگر نه تنها هنر اسلامی تهدید کننده نبود، بلکه در شرایط جدید تلقی مثبتی از این هنر داشتند و الگوهای آن را برای بیان اهداف هنری مناسب یافتند. بنابراین، به حمایت از هنر اقلیت های مسلمان (مدجنان) پرداختند. در نتیجه هنر اسلامی در دوره حاکمیت مسیحیان نیز تا مدتها پویایی خویش را حفظ کرد. (Ibid, vol. II, p. 592)

معماری اروپا در سده های میانه معمولاً تقلیدی از سبک رومی یا گوتیک بوده است؛ اما در اسپانیا به دلیل حضور مسلمانان الگوی هنری دگرگون شد؛ از جمله به دنبال گسترش سلطه حاکمان مسیحی بر قلمرو اسلامی در این سرزمین هنر معماری

متصف به آن قابل سرزنش نیز هست؛ احتمالاً نخستین بار مسلمانان همکیشان خویش را که تحت سلطه مسیحیان به سر می بردند، با عنوان مدجن خطاب کردند تا بدین وسیله آنان را سرزنش و نکوهش کنند؛ سپس این اصطلاح به زبان اسپانیولی نیز راه یافت و به صورت مودخار (Mudejar) متداول شد (Harvey, 1990, p.4).

نظرها روی (Harvey) تا اندازه ای درست به نظر می رسد، به لحاظ این که بر مبنای قرآن و سنت علمای اسلامی معتقدند برای مسلمانان جایز نیست تا در هر جایی زندگی کنند؛ بر آنان واجب است در جایی اقامت نمایند که بتوانند به نحو کامل واجبات دینی خویش را انجام دهند. از آنجا که چنین امری تحت سلطه مسیحیان غیر ممکن بود و باقی ماندن در دارالمسیحیت را نوعی اهانت به اسلام و مسلمانان تلقی می کردند، پذیرش چنان وضعیتی را جایز نمی دانستند. شاید به همین جهت بوده که اغلب نویسندگان مسلمان جامعه مدجنان را شایسته توجه کردن و بررسی ندانسته و چیزی درباره آنان ننوشتند و به گونه ای از این جمعیت چشم پوشی کرده اند، حتی ابن خلدون زمانی که به اشبیلیه (Seville) تحت سلطه مسیحیان رفته چیزی درباره مدجنان این شهر نمی گوید؛ احتمالاً او نیز سخن گفتن از همکیشان تحت سلطه حاکم مسیحی را اهانت آمیز ندانسته است (the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. I, pp. 177-178). یکی از فقیهان الجزایری، بنام احمد بن یحیی و نشریسی (۱۹۱۴ ق)، که درباره آنان سخن گفته در بخشی از اثر خویش «المعیار المعرب...» زندگی کردن مسلمانان در قلمرو مسیحیان را به شدت به باد انتقاد گرفته و از آنان با عنوان «اهل الدجن» یاد کرده است (و نشریسی، ۱۴۰۱/۲، ۱۵۰/۱-۱۵۱).

گرچه امروزه میلیون ها مسلمان در کشورهای مسیحی به سر می برند بدون این که تصور خاصی از این کشورها داشته باشند و با علمای اسلامی نسبت به آنها واکنش نشان دهند، اما باید توجه داشت که در سده های میانه وضع به گونه ای دیگر بود؛ مسلمانان نسبت به قلمرو مسیحیان تلقی ویژه ای داشتند و از آن به دارالحراب تعبیر می کردند. از سوی دیگر، اگر مسلمانان آزادانه تن به سلطه مسیحیان می داد با واکنش تند علمای اسلامی مواجه می شد؛ بنابراین، در این دوره اقامت کردن اقلیت های مسلمان با میل و رضایت خویش در جامعه مسیحی اسپانیا پدیده ای استثنایی بوده است.

بدین ترتیب مدجنان هم از سوی همکیشان خویش محکوم بودند و به آنان توجهی نمی شد و هم به لحاظ این که در دارالمسیحیت به شعایر اسلامی پایبند بودند، به رغم برخورداری از توانایی های بسیار، مورد بغض شدید پیروان مسیح قرار داشتند و در سلسله مراتب اجتماعی پایین ترین جایگاه را به آنان اختصاص داده بودند، برخی از نویسندگان غربی گفته اند: مدجنان در جامعه مسیحی از موقعیتی شبیه به آنچه اهل نزه در قلمرو اسلامی داشتند، برخوردار بوده اند.

دسترس بود، استفاده می کردند و این هنرخیلی اقتصادی تر از هنر گوتیک به شمار می رفت. از این رو، به صورت هنر برجسته‌ای در اسپانیا درآمد و در ساخت منازل اشراف، بناهای عمومی، مساجد و کلیساهای بزرگ نقش عمده ای را ایفا کرد. در شبه جزیره ایبریا فقط در منطقه کاتالونیا بود که در بنای قصرها و ساختمان های عمومی از سنت های گوتیک تقلید می شده است. در این ناحیه سنت معماری مدجنان کم رواج داشته است (Hillgarth, 1976, vol. I, pp. 202-203).

مدجنان در مناطق مختلف اسپانیا به خلق آثار در زمینه معماری پرداختند که بیشترین آنها در طلیطله بوده است. آنان در این شهر به ساخت بناهای متعددی از قبیل مسجد، کلیسا و غیره اقدام کردند. گرچه مسیحیان به هنگام تسلط بر طلیطله مسجد جامع آنجا را به کلیسا تبدیل کردند، اما پس از انتقال مسلمانان به حومه شهر به آنان اجازه دادند در این ناحیه مسجدی، که به باب المردوم معروف شد، برای خویش بنا کنند (عبدالعزیز سالم، ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۸۰). مدجنان مسجد باب المردوم را به تقلید از سبک موحدان با آجر ساختند (نک: تصویر شماره ۱)؛ حتی حاشیه پنجره های آن را نیز با آجر تزیین کردند، گنبد گچ اندود آن را نیز با اقتباس از مسجد بزرگ قرطبه (Cordoba) بنا نهادند. در زمان حکومت آلفونس هشتم پادشاه قشتاله، (castile) روحانیان مسیحی در طلیطله به منظور همگون سازی مدجنان با مسیحیان فعالیت های گسترده ای را انجام دادند. در این جهت به دستور آلفونس هشتم مسجد باب المردوم را در سال ۱۱۹۰/ق به کلیسا تبدیل کردند (the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. II, pp. 592-593). بعد از آن مدجنان مسجد دیگری را در حومه طلیطله بنا کردند و برای جلوگیری از حملات متعصبان مسیحی سعی کردند آن را از چشم دیگران مخفی نگاهدارند. در سال ۱۲۰۲/ق ۱۲۰۲ م پیروان مسیح اطلاع یافتند که مدجنان در محله تجاری فرانسیویان، معروف به دارالدباغین، مسجدی به منظور انجام فرایض دینی خویش ساخته اند (نک: تصویر شماره ۲). این مسجد بدون هیچ واکنشی نسبت به آن، تا مدت ها مورد استفاده مدجنان بود حتی گفته اند تا سده ۱۰/ق ۱۶ م هنوز پا برجا بوده است (مورینوبی تا، ص ۲۵۱).

معماری مدجنان به طرق گوناگون بر بنای معابد مسیحیان در نواحی مختلف اسپانیا از قبیل قشتاله، لئون، آراگون و غیره تأثیر نهاده، که توسعه این سبک در کلیساهای طلیطله و اطراف آن بیش از سایر جاه قابل ملاحظه بوده است. تا اواخر سده ۱۵/ق فقط کلیسای جامع طلیطله را با سنگ ساخته بودند؛ سایر معابد این شهر را هنرمندان مدجن با استفاده از آجر و ایجاد تغییراتی در معماری رومی بنا کردند (Hillgarth, 1976, vol. I, p. 200). نمونه هایی مهم از این معابد هنوز هم در طلیطله دیده می شود؛ یکی از آنها کلیسای سانتا ماریا لابلانکا (Santa Maria la Blanca) گویند (نک: تصویر شماره ۳). این

به صورت ترکیبی از عناصر شرقی (اسلامی) با طرح های رومی یا گوتیک رخ نمود که از آن به هنر مدجنان تعبیر می گردد (Adoms, 1943, p. 48). و گاه آن سبک ملی اسپانیا نیز خوانده می شود. اختصاصی ترین کمکی هم این کشور به هنر اروپا کرده به واسطه این هنر بوده است. (the Legacy of Islam, 1968, p. 13) در دوره ای که اقلیت های مسلمان زیر سلطه فرمانروایان مسیحی اسپانیا زندگی می کردند، آنان در زمینه معماری اهتمام جدی داشتند تا با در آمیختن سنن هنری اسلام با عناصر گوتیک یا رومی الگویی مطابق ذوق حکمرانان مسیحی پدید آورند. این فعالیت هنری در اواخر سده ۱۱/ق از طلیطله (Toledo) آغاز شد. در آنجا بود که مدجنان از تزیینات اسلامی برای آرایش کلیساهایی که به سبک رومی ساخته شده بود، استفاده کردند؛ سپس این عناصر را در کلیساهای سبک گوتیک نیز به کار بردند. سرانجام در عصر رنسانس عناصر اسلامی را با طرح هایی که از ایتالیا وارد اسپانیا شده بود، در آمیختند (مارسیه، ۱۹۶۸، ص ۲۷۳-۲۷۴).

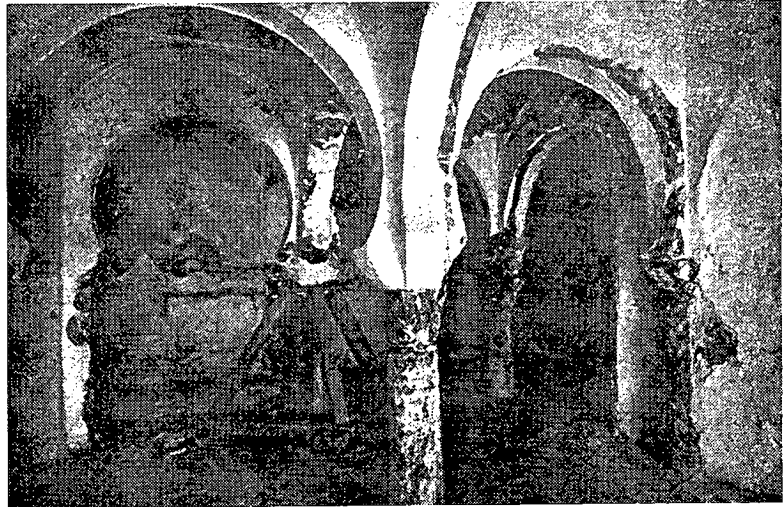
در واقع می توان گفت سبک معماری مدجنان متصل به سبک هنر مغربی و تداوم بخش آن در جامعه مسیحی بوده است، با این تفاوت که معماران مدجن متناسب با ذوق اربابان مسیحی تعدیلاتی را در این سبک پدید آوردند. نظریه این که شهرهای اسپانیای اسلامی در زمان های مختلفی (از نیمه دوم سده ۱۱/ق تا اواخر قرن ۱۵/۹) به تصرف مسیحیان درآمد، نمی توان سبک معماری مدجنان را به زمان معینی محدود کرد؛ اما باید گفت که این سبک مرحله ای از تطور هنر اسپانیولی را نشان می دهد که طی آن معماری اسپانیا از سبک مغربی به سبکی که در عصر رنسانس بر هنر این کشور سایه افکند، تحول یافت (حسن، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۲۲).

گرچه شروع این هنر از سوی مدجنان به منظور استمرار الگوهای اسلامی در قلمرو مسیحیان اسپانیا بوده است؛ ولی با گذشت زمان این شیوه هنری، سبکی صرفاً بومی و اسپانیولی شناخته شد و گاه با استیلای اسپانیا در سرزمین های دیگر نیز همراه شد. مثلاً هنگامی که سلطه اسپانیولی ها بر نواحی آمریکای مرکزی و جنوبی گسترش یافت، شیوه معماری آنان در این مناطق جدید غالباً بنام هنر مدجنی خوانده می شد (the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. II, p. 597). در این میان یکی از محققان فرانسوی بنام هنری تراس (Henri Trasse) خاطر نشان کرده که از هنرهای اروپای غربی در سده های میانه، فقط هنر مدجنان بوده که به آن سوی اقیانوس اطلس راه یافته است و نشان های جالبی از سبک هنر مدجنی را، در معماری کشورهای مکزیک، پاراگوئه و ایالت تگزاس آمریکا آشکار نموده است (Read, 1974, p. 189).

شایان ذکر است که مدجنان در فعالیت های معماری سعی می کردند بیشتر مصالح ارزان قیمت به کار ببرند. آنان به جای سنگ از موادی همچون آجر چوب، گچ و آهک که به وفور در



تصویر ۱: مسجد باب مردوم (Bib Mardum) که به کلیسا تبدیل شده و اکنون کلیسای ال کریستودی لالوز (El Cristo de la Luz) نام دارد واقع در طلیطله (Toledo) نقل از کتاب الفن الاسلامی فی اسپانیا، ص ۲۳۹



تصویر ۲: کلیسای سانتاماریا لابلانکا (Santa Maria la Blanca) واقع در طلیطله (Toledo) نقل از کتاب فنون الاسلام فی اسپانیا، ص ۱۲۲



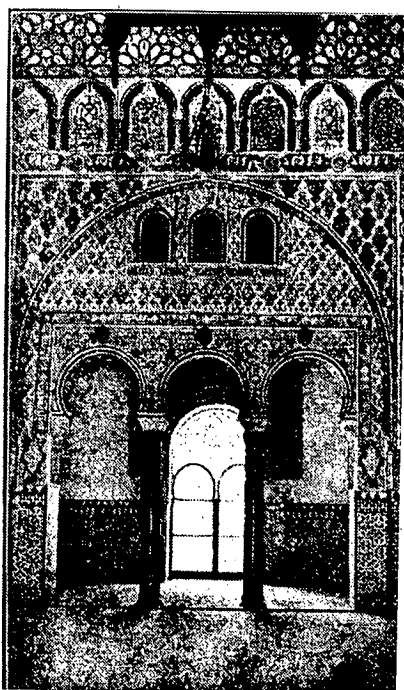
تصاویر ۲: بخش هایی از مسجد دارالرباعین واقع در طلیطله (Toledo) نقل از کتاب الفن الاسلامی فی اسپانیا، ص ۲۴۴

بنا کردند. در این کلیسا آمیختگی عناصر اسلامی و گوتیک و همچنین نوشته های عبری به وضوح دیده می شود. آنچه در این معابد جلب توجه می کند آرایش درونی آنها است که به سبک اسلامی تزیین شده اند (حسن، ۱۴۰۱، ص ۱۲۲ - the Legacy of muslim Spain, 1994, vol. II, pp. 588-589).
کلیسای سن رومن (San Roman) طلیطله نیز به سبک

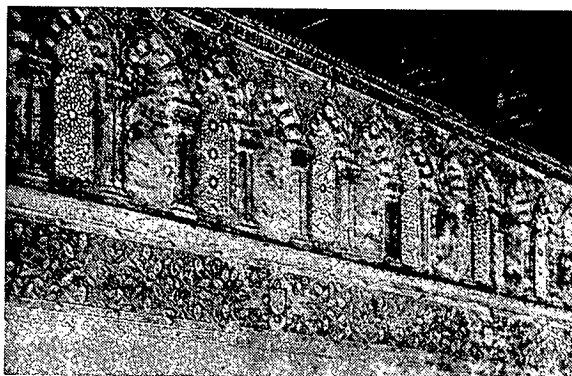
بناتاسده ۱۲/۶م کنیسه یهودیان بود که در این زمان به دستور حاکمان مسیحی معماران مدجن آن را به کلیسا تبدیل کردند. آنان قوس ها و ستون های متعددی در این معبد ایجاد کردند و آن را شبیه به مساجد عصر موحدان در آوردند. نمونه دیگر کلیسای ال ترانزیتو (El Transito) است (نک: تصویر شماره ۴) که آن را مدجنان در حدود نیمه سده ۸/۱۴م

سنت هنری مدجنان رادربعضی بناهای قرطبه و اشبیلیه هم می توان مشاهده کرد. شاید برجسته ترین بناهای آنان در قرطبه ساختن کلیسای سن ماری (st. Mary) باشد، که به دستور حاکم مسیحی با ایجاد تغییراتی در مسجد جامع قرطبه، آن را به صورت کلیسا آوردند (of muslim spain, 1994, vol. II, p. 596). نمونه جالب معماری مدجنان در اشبیلیه بنای قصرالکازار = (Alcazar) این شهر است (نک: تصویر شماره ۵)، که بخشی از آن همان دیوارهای برجای مانده قصر دوره موحدان است. در سال ۷۶۵ ق/ ۱۳۶۴ م پدروی اول، (Pedro I) پادشاه قشتاله، تصمیم گرفت آن را بازسازی کند؛ بدین منظور گروهی از معماران مدجن را از طلیطله به اشبیلیه فراخواند. آنان در ساختن این بنا اهتمام جدی ورزیدند تا کارشان با قصری که امویان در قرطبه ساخته بودند، برابری کند. دیوارهای آن را با قراردادن کاشی های براق به صورت اشکال هندسی و با گچ بری های زیبا تزئین کردند. در آن کتیبه هایی به عربی و با خط کوفی به کار بردند که در آنها علاوه بر ذکر جلال و جبروت خداوند یکتا، از حکومت پدروی اول نیز تجلیل شده است (Irwin, 1997, p. 221) به رغم این که بعدها در این قصر اصلاحاتی به سبک اروپایی انجام شده، اما آمیختگی سنت های اسلامی و مسیحی همچنان در آن باقی مانده است (Architecture of the Islamic world its history and social meaning, 1987, p. 215).

هنرمندان مدجن که با مهارت های خاصی طرح ها و الگوهای اسلامی را در زمینه های غیر اسلامی به کار می بردند، در همه جای اسپانیا مورد اقبال و حمایت اشراف مسیحی قرار



تصویر ۵: تالار تشریفات قصرالکازار (Al Caazar) واقع در اشبیلیه (Seville) نقل از کتاب الفن الاسلامی فی اسپانیا، ص ۱۲



تصویر ۴: کلیسای ال ترانزیتو (El Transito) واقع در طلیطله (Toledo) نقل از کتاب الفن الاسلامی فی اسپانیا، ص ۱۲۲

۶۱۸ ق/ ۱۲۲۱ م توسط معماران مدجن ساخته شده است. نقاشی هایی که در درون این کلیسا انجام شده، از طرفی بیانگر مضامین کتاب مقدس است و از سوی دیگر، در حاشیه این نقاشی ها کتیبه های عربی به کار رفته که یادآور تزئینات معمول در بناهای اسلامی است (Ibid, pp. 594-595). در ساخت این بناها هنرمندان مدجن اهتمام داشته اند تا به شیوه های گوناگون به پیروان مسیح خاطر نشان کنند که هر چند حکومت مسلمانان از اغلب مناطق اسپانیا برچیده شده، اما ارتباط و پیوند آنان با فرهنگ اسلامی پایان نیافته است.

باید توجه داشت که در سراسر اسپانیا الگوهای قابل تحسینی از هنر مدجنان به چشم می خورد؛ حتی در برغش، (Burgos) شهری واقع در قشتاله قدیم و شمال اسپانیا، که زمانی مرکز نظامی مسیحیان برای بازپس گیری قلمرو اسلامی بود؛ نیز استفاده از تزئینات اسلامی در بناها قابل ملاحظه است. در واقع با حمایت های حاکمان و اشراف مسیحی بود که نفوذ معماری و تزئینات مدجنان به این مناق راه یافته بود. از جمله هنرمندان مدجن در اوایل سده ۷ ق/ ۱۲ م دیرلاس هوالگاس (Las Huelgas) این شهر را مطابق الگوی اسلامی گچ بری کردند. (Ibid, p. 588) همچنین آنان در این دیرخوشنویسی هایی را به خط کوفی و با ظرافت خاصی ترسیم نمودند که در آنها مضامین مسیحی همچون ستایش مسیح، روح القدس و غیره با خط عربی رسم شده است (Ibid, p. 662).

در آراگون آثار معماری مدجنان به شکل شماری از برج های زیبا، که طرح مناره های عصر موحدان را یادآور می شوند، از سده ۸ ق/ ۱۴ م برجای مانده است. (Ibid, p. 596) هنرمندان مدجن این برج ها را مانند مناره های مساجد جدا از کلیساها ساختند و برخی از آنها را با کاشی های شفاف و بعضی دیگر را، همچون برج های کلیساها، طلیطله با آجرکاری تزئین کرده اند. در قلعه ایوب (Calatayud) آنان در ساختن برج ها طرح هشت ضلعی را به کار برده اند. باید گفت گرچه موحدان مدتها بود که از اسپانیا عقب نشینی کرده بودند، ولی معماری آنان در قالب سبک مدجنان همچنان بالندگی خود را حفظ کرد (the Legacy of Islam, 1968, p. 13).

نفوذ هنری جمعیت مدجن رامی توان در تجلید صحافی کتب و مینیاتور نیز مشاهده کرد. (Adoms, 1943, p. 84) در ناحیه لارده هنرهای همچون سنگ تراشی، نجاری و خیاطی در انحصار مدجنان بود. (Muslims under latin Rule, 1990, p. 62) همچنین آنان در جزایر شرقی در صنایع دباغی، زرگری، صباغی و شمشیرسازی سهم عمده ای داشتند. در این جزایر چون مدجنان پراکنده زندگی می کردند، هرگز نتوانستند جامعه متشکلی را سامان دهند تا از حقوق خویش دفاع کنند؛ از این رو، بابیان مسیحی ظالمانه دست رنج آنان را به خود اختصاص می دادند و با این جمعیت همانند برده رفتار می کردند. (Harvey, 1990 p. 151)

مدجنان به عنوان حافظان میراث اسلامی در جامعه مسیحی گام های موثری در جهت توسعه هنری اسپانیا برداشتند، آنان با محصولات خویش با آنچه که در اروپای سده های میانه تولید می شد به رقابت می پرداختند؛ اما باید گفت هنر سفالگری در میان این جمعیت از جایگاه پراهمیتی برخوردار بوده است. آنان ظروف سفالی براق و لعابداری می ساختند که مالقه (Malaga) و بلنسیه دو مرکز عمده این تولیدات بود. (the Legacy of Islam, 1968, p. 14) در مورد سفالگری و جلادان به ظروف سفالی، بهترین محصول در سده های ۸/۱۴ م و ۹/۱۵ در اسپانیا به مدجنان تعلق داشت. گرچه عناصر مسیحی نیز در هنر سفال سازی آنان انعکاس یافته، ولی از جهات متعددی نمایانگر ویژگی های هنر اسلامی بوده است (رایس، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۹-۱۷۰). سفالگران مدجن در بلنسیه و شاط به بشقابها و ظروف تزئینی هم تولید می کردند. اسناد برجای مانده حاکی از آن است که آنان در سده ۷/۱۳ م بابت تولید محصولات سفالی مالیات قابل توجهی به حاکمان مسیحی پرداخت می کردند. به تدریج مسیحیان نیز به تقلید از مدجنان به این هنر روی آوردند تا آن که دوسنت مسیحی و مدجن با هم در آمیخته شدند (Muslims under latin Rule, 1990, p. 98).

در پایان با این سوال مواجه می شویم که حایز اهمیت است و منابع موجود چیزی درباره آن نگفته اند و آن این که چرا از میان نخبگان علمی و فرهنگی مدجن فقط هنرمندان به خلق آثار هنری برجسته پرداخته اند و استادان سایر رشته ها آثار قابل توجهی ارائه نداده اند؟ به نظرمی رسد اگر نویسندگان و دانشمندان مدجن مطابق خواست اربابان مسیحی آثار خویش را به زبان رومی یا لاتین می نوشتند، شاید از مساعدت های حکمرانان و اشراف مسیحی برخوردار می شدند، ولی به لحاظ دینی آنان نوشتن به زبان غیر عربی را روانی دانستند؛ از این رو، حمایت و تقویت نشدند و به تدریج یا از قلمرو مسیحیان مهاجرت کردند و یا تحرک و پویایی علمی خویش را از دست دادند و منزوی شدند. اما هنرمندان مدجن به دلیل این که کارشان ارتباط چندانی با زبان و نوع نگارش نداشت، مورد حمایت های حاکمان و نجیب زادگان مسیحی قرار گرفتند، در نتیجه در جامعه فعال باقی ماندند و موفق شدند آثار مهمی تولید کنند (Lourie, 1990, pp. 49-50).

گرفتند و نقش مهمی در ایجاد بناهای عمومی و منازل مسکونی برای نجیب زادگان مسیحی ایفا کردند؛ تاجایی که در ناوار، شمالی ترین ناحیه اسپانیا، نیز اثر معماری آنان به چشم می خورد. در آنجا گروهی از معماران مدجن در دربار دولت ناوار مشغول کار بودند و برای این دولت یکی از جالب ترین بناها را بنام قصر اولیت (the Palace of olite) طراحی و بنا کردند (the Legacy of muslim spain, 1994, vol. I, p. 185).

شایان ذکر است که سبک معماری مدجنان تا سده ۱۰ ق/۱۶ م رشد، تحول، نوآوری و ظرافت خود را حفظ کرد. آنچه در این سده باعث کمرنگی این سبک شد از سوی ناشی از ترک سنت های هنری بومی و منطقه ای در سراسر اروپا بود و از سوی دیگر، در طول این سده سردمداران مسیحی اقدامات خشونت آمیز شدیدی را بر ضد مدجنان اعمال کردند تا هویت دینی آنان را با مسیحیان همگون سازند، که برخوردهای قهرآمیز نیز در مو سنت معماری مدجنان بی تأثیر نبوده است (Ibid).

نقش مدجنان در سایر هنرها

مدجنان تنها در هنر معماری سرآمد نبودند، بلکه در هنرهای نظیر قالی بافی، نساجی، سفالگری، نجاری و غیره در اسپانیا از دیگران کارآمدتر بودند. گفتنی است که مسیحیان در این دوره به امور هنری توجهی نداشتند، معمولاً به سبب تن پروری یا تکبر این کارها را حقیقی می شمردند. غالباً فرزندان خویش را برای چنین کارهایی تربیت نمی کردند؛ آنانی شغلی در ارتش و تشکیلات دولتی پیدا نمی کردند، به کلیسایان می پیوستند؛ از این رو، در زمینه هنری برهنرمندان مدجن تکیه داشتند. گروه های با نفوذ مسیحی از قبیل اشراف، مأموران عالی رتبه دولتی، جمعیت ها و تشکل های نظامی، اسقف ها و سایر مقام های کلیسایی، حتی رؤسای مؤسسات خیریه و تشکیلات رهبانی گرچه به لحاظ دینی به مقابله با هویت اسلامی مدجنان می پرداختند، ولی به منظور بهره برداری از مهارت های هنری این جمعیت سعی می کردند با آنان رابطه داشته باشند. بدین گونه در نواحی مختلف اسپانیا اغلب هنرها در دست مدجنان قرار گرفت (Muslims under latin Rule, 1990, p. 88).

مدجنان با تکیه بر تجارب دوره اسلامی، نقش برجسته ای در هنر نساجی بلنسیه، (Valencia) شاطبه (Jativa) و اشبیلیه ایفا کردند.

در این صنعت با ظرافت خاصی به تولید پارچه هایی با طرح های متنوع و گاه زربافت می پرداختند، نمونه ای از هنر بافندگی آنان از سده ۹/۱۵ م برجای مانده که در آن نوشته های اسپانیولی آبی رنگ در بین طرح های هندسی نوشته شده است. (Bloom, 1998, p. 245)

طوری که این هنر در قلمرو مسیحیان اسپانیا تا سده ۹/۱۵ م در دست آنان بوده است (Ibid).

نتیجه گیری

قلمرو مسیحیان اسپانیابه مملکت های متعددی از قبیل قشتاله، آراگون و ناوارتقسیم می شد. این دولت هادرموارد گوناگون از جمله درسط عناصر مدنی و آبادسازی قلمرو خویش بایکدیگر رقابت می کردند. بدین منظور حکمرانان مسیحی به مدجنان روی آوردند تا از قابلیت های مدنی آنان خاصه در امور هنری بهره مند شوند و بر رقبای خود پیشی گیرند. در نتیجه بستری مناسب برای فعالیت های هنری مدجنان مهیا گشت و سنت هنری آنان در سده های میانه در سراسر اسپانیا پراکنده و برجسته شد.

در سده های میانه هرگاه مسیحیان اسپانیادراین سرزمین بر مناطقی از قلمرو اسلامی دست می یافتند؛ بخش اعظم مسلمانان از نواحی که به اشغال حاکمان مسیحی درآمده بود، هجرت می کردند؛ ولی گروه هایی از آنان در خانه آباء و اجدادی خویش باقی می ماندند و با حفظ هویت اسلامی تن به حاکمیت مسیحیان می دادند. اینان که به مدجنان معروف شدند به لحاظ برخورداری از فرهنگ و مدنیت اسلامی در عرصه هنر و سایر رشته هانسبت به پیروان مسیح ثمر بخش تر و دارای قابلیت و کارآمدی بیشتری بودند. باید توجه داشت که در این دوره

پی نوشت ها:

- ۱- دَجْنٌ يَدُجْنٌ دَجْنًا وَ دُجُونًا - دَجْرٌ بِالْمَكَانِ: در آنجا مقیم شد دَجْرٌ الظَّائِرُ وَالْحَيَوَانُ: پرند و یا حیوان اهلی شد حیوان رام و اهلی رابه عربی داجن گویند (مسعود ۱۹۹۲، ص ۲۳۵، رضا، ۱۹۸۵، ۲۰/۲، نیس و دیگران بی تا، ۱۷۲/۱).
- ۲- موحدان سلسله ای اسلامی بودند که حکومتشان در مراکش شکل گرفت سپس دامنه آن تا تونس و اسپانیا نیز گسترش یافت. آنان در سال ۴۰۵ ق ش / ۱۱۴۵ م وارد اسپانیا شدند و تا ۶۲۲ ق / ۱۲۲۵ م بر بخشهایی از این سرزمین حکومت کردند (لین پول، ۱۳۶۲، ص ۳۹-۴۰). آثار بعضی مساجد برجای مانده از دوره موحدان در مراکش حاکی از آن است که معماران این دوره در ساخت مساجد آجرو گچ به کار می بردند و در طاق نمای آنها به جای قوسهای مدور از نوک تیز استفاده می کردند، مناره هارا چهار گوش می ساختند و با گچ بری به تزیین محرابهای پرداختند (هوگ و مارتن، ۱۳۶۸، ص ۵۱-۵۲).

فهرست منابع:

الف) فارسی و عربی

- انیس ابراهیم و دیگران، المعجم الوسيط، استانبول بی تا.
- حسن بزکی محمد فنون الاسلام، بیروت، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
- رایس دیوید تالبوت، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- رضا احمد، معجم متن اللغة، بیروت، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م.
- عبدالعزیز سالم محمود، مسجد المدینة جنین بطلیظه، مجله کلیه الآداب جامعه الاسکندریه، جلد ۱۲، ۱۹۸۵، ص ۸۰.
- لین پول، استانی طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- مارسیه، جورج، الفن الاسلامی، ترجمه عقیف بهسنی، دمشق، ۱۹۶۸.
- مسعود، جبران، الرائد لغوی عصری، دار العلم، بیروت، ۱۹۹۲.
- مورینو، جو میث، الفن الاسلامی فی اسپانیا، ترجمه لطفی عبدالبدیع و محمود عبدالعزیز سالم، قاهره، بی تا.
- هوگ، ج. و مارتن، هانری، سبک شناسی هنر اسلامی در سرزمینهای اسلامی، ترجمه پرویز جاوند، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
- و نشریسی، احمد بن یحیی، المعیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.

ب) منابع انگلیسی

- Adoms, Nicholson B. the Heritage of Spain An introduction to Spanish civilization, New york, 1943.
- Architecture of the Islamic world its history and social meaning, ed. by Gerge michell, London, 1987.
- Bloom, Jonathan and Blaer, Sheila, Islamic Arts, London, 1998.
- Encyclopaedia of Islam (E12), 1993.
- Harvey, L.P. Islamic Spsin 1250-1500, the university of Chicago, 1990.
- Hillgarth, J.N. the Spanish Kingdoms 1250-1516, oxford university, 1976.
- Irwin, Robert, Islamic Art, London, 1997.
- the Legacy of Islam, ed. By Sir Thomas Arnold and Alfred Guilaume, London, 1968.
- the Legacy of muslim spain, ed. by Salma Khadra Jayyusi, Brill, 1994.
- Lopez-Baralt, Luce, Islam in Spanish Literature from the middle Age to the Present, tr. By Andrew Hurley, Brill, 1992.
- Lourie, Elena, Crusade and Colonisation: Muslims, Christians and Jews in medieval Aragon, U.S.A. Variorum, 1990.
- the Medieval World, ed. By Peter Linehent and Janet L. Nelson, London and New york, 2001.
- Muslims under Latin Rule 1100-1300, ed. By James M. Powell, Princeton university, 1990.
- Read, Jan, the Moors in Spain and Portugal, London, 1974.
- Watt, W. M. and Cachia, P. A history of Islamic Spain, Edinburgh university, 1965.